

گامی مهم در راستای اتحاد تشکل‌ها و فعالین جنبش کارگری

بهرام رحمانی

دوم بهمن ماه هشتاد و پنج

تلاش تشکل‌های مستقل از دولت و فعالین جنبش کارگری برای اتحاد و همبستگی و نهایت امر برای برپایی تشکل سراسری کارگران جدی‌تر از گذشته در جریان است. این حرکت را باید به دور از هرگونه تنگ‌نظری و سکتاریسمی تقویت کرد. زیرا اکنون مبارزه پراکنده کارگران آن‌قدر گسترده است که هر ناظر بیرونی را به این فکر می‌اندازد با وجود انبوهی از مبارزه چرا هنوز کارگران ایران فاقد تشکل سراسری خود هستند. چرا فعالین این جنبش دستگیر و زندانی و شکنجه می‌شوند، یا مشکلات اقتصادی، نفس آن‌ها را بریده است؛ اما در چنین شرایطی، آن‌ها باز هم دست از مبارزه بر حق خود علیه سرمایه‌داران بر نمی‌دارند؟! واقعا امروز تشتت و پراکندگی بزرگ‌ترین دغدغه فعالین و جریانات کارگری کمونیستی است. البته در این میان خفقان و مشکلات اقتصادی در تشکل‌یابی طبقه کارگر تاثیر به‌سزایی دارد. اما باید به امر اذعان کنیم که تنگ‌نظری و سیاست‌های سکتاریستی نیز در بین فعالین جنبش کارگری و احزاب و سازمان‌های درگیر با جنبش کارگری کمونیستی یک امر غیرقابل انکار است. اگر همه نیروهای جنبش کارگری به این نتیجه نرسند که کارگران بدون مبارزه متحد و متشکل، همواره در معرض دائمی تهدید و تعرض سرمایه‌داران و حکومت آن‌ها قرار خواهند گرفت، دشواری و موانع پیش روی تشکل‌یابی کارگران باقی خواهد ماند. اگر بخش چشم‌گیری از فعالین و سازمان‌های این نیروی میلیونی به این نتیجه قطعی نرسند که با آگاهی به مواضع مورد اختلاف در کنار هم قرار بگیرند و بحث و تبادل نظر کنند تا تشکل سراسری کارگران مستقل از دولت را به وجود بیاورند، برداشتن هر گامی در این راستا سخت خواهد بود.

اگر با این مقدمه و با این حسن نیت به سراغ تشکل‌های موجود مستقل کارگری و نظریات فعالین آن‌ها و یا مقالات، مصاحبه‌ها، سایت‌های اینترنتی و نشریات آن‌ها برویم، با این واقعیت روبرو می‌شویم که ماتریال انسانی و ابزارهای نسبتا مناسبی در شرایط کنونی در دسترس آن‌هاست که در یک زمان‌بندی معین امکان به وجود آوردن تشکل سراسری کارگران ایران امکان پذیر است.

در این میان رفقای اتحاد کمیته‌های کارگری، گام مهمی در راستای گسترش تشکل‌یابی کارگران ایران برداشته و طی فراخوانی در تاریخ ۱۳۸۵/۹/۱۱، از فعالین کارگری و تشکل‌های موجود به همکاری و تبادل نظر و اتحاد دعوت کرده‌اند. بی‌شک باید به استقبال این فراخوان رفت و دست یکایک رفقای اتحاد کمیته‌های کارگری را به گرمی فشرد. بخش‌هایی از این فراخوان تحت عنوان «دعوت از فعالین جنبش کارگری»، چنین است: «در چند سال گذشته شاهد تحرک فعالین جنبش کارگری، برای ایجاد تشکلات کارگری بوده‌ایم. هر یک بنا به شرایط و موقعیت‌ها و گرایشاتی که داشته‌اند از زاویه‌ای به این مسئله پرداخته‌اند و شکل خاصی از تشکل را سازمان دادند و یا زمینه ایجاد آن شدند.

سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران با سازماندهی چند هزار راننده این شرکت در تهران و با اعتصابشان توانستند پشت سرمایه‌داران را بلرزانند، از جمله این موارد است. اما پس از اعتصاب شدیداً مورد یورش قرار گرفتند و سرکوب شدند. بازداشت عده زیادی از آنها، حمله شبانه به خانه‌های رانندگان، غیرقانونی اعلام کردن سندیکای شرکت واحد، بازداشت طولانی منصور اسانلو رئیس هیئت مدیره این سندیکا و اخراج بسیاری از فعالین این سندیکا از شرکت واحد، نشانگر شدت سرکوب و برخورد با آنها است. متأسفانه بدلیل عدم آمادگی طبقه کارگر در حمایت از رانندگان شرکت واحد، سرکوب این سندیکا عملی شد و ضرباتی بر پیکر این سندیکا فرود آمد.

دیگر فعالین رادیکال جنبش کارگری در تلاش برای همبستگی و هماهنگی بین پیشروان جنبش در راستای ایجاد تشکل فراگیر کارگری اقدام به ایجاد کمیته‌ها و تشکلاتی نمودند. از آن جمله کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلات آزاد کارگری، کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری و اتحاد کمیته‌های کارگری را می‌توان نام برد.

واقعیت آن است که تمام این تلاش‌ها، با وجود مثبت بودن و برداشتن یک گام به جلو تا کنون نتوانسته به هدف خود یعنی برپایی یک تشکل فراگیر و حتی فراهم نمودن زمینه‌های آن برسد. هر کدام از این گرایش‌ها رادیکال در حد توان خود در مقابل تهاجمات سرمایه‌داری ایستادگی کرده اند، اما مسئله ایجاد تشکل فراگیر همچنان به عنوان مسئله‌ای لاینحل باقی مانده و ظاهراً پس از گذشت چند سال، هنوز در بن‌بست قرار دارد...

با گذشت زمان رادیکالیسم در این گرایش‌ها تقویت شده و بسیاری از فعالین جنبش کارگری به این نتیجه رسیده‌اند که ضروری است برای مبارزه با سرمایه‌داری و برای آن که این مبارزه قوی‌تر باشد، باید دست اتحاد و همکاری به سوی هم دراز کنیم. برای آن که بتوانیم در تقابل با سرمایه‌داری فقط به دادن اطلاعیه بسنده نکنیم و بتوانیم تحرکات عملی داشته باشیم، ضروری است نوعی از همکاری و هماهنگی را بین خود سازمان دهیم.

همان‌طور که گفته شد اختلافات بین ما اختلافاتی واقعی است و در نتیجه ضروری است ضمن حفظ موقعیت کنونیمان طرحی برای همکاری منظم حول مبرمترین مطالبات جنبش کارگری، بین خود داشته باشیم. ما می‌توانیم شورای همکاری متشکل از نمایندگان گرایش‌ها رادیکال جنبش کارگری مثل سندیکای شرکت واحد، کمیته هماهنگی... کمیته پیگیری... اتحاد کمیته‌های کارگری، انجمن فرهنگی کارگری، فعالین فلز کار مکانیک، دانش-جویان هوادار جنبش کارگری و بسیاری از فعالینی که مستقلاً فعالیت می‌نمایند، ایجاد نماییم. این شورا می‌تواند وظیفه هماهنگی و همکاری در مقابل تهاجم به فعالین کارگری و یا به طور کلی طبقه کارگر را به عهده بگیرد. در چنین حالتی فعالین متشکل در این شورا می‌توانند به سهم خود نقش بیش‌تری در عرصه مبارزه طبقاتی داشته باشند و بخش‌هایی از کارگران پیشرو را نیز جذب این حرکت نمایند. پراکندگی موجود یکی از علت‌هایی است که بدنه طبقه کارگر را از فعالینش جدا کرده و عملاً طبقه کارگر قطبی قوی در مقابل سرمایه‌داری نمی‌بیند...

ما به هیچ عنوان تصور نمی‌کنیم که این طرح کامل و بدون نقص است و بلعکس از تمام فعالین جنبش کارگری می‌خواهیم که برای تحقق هدف ذکر شده هر پیشنهادی به نظرشان می‌رسد ارائه نمایند. شرایط کنونی ضرورت چنین همکاری را بین ما فعالین جنبش کارگری بر جسته کرده است و باید این مسئله را به فال نیک گرفت. نباید روند تهاجم سرمایه‌داری به حقوق ما بدون مانع جدی و قوی تداوم یابد. اتحاد عمل و همکاری بین ما و حرکت در جهت ایجاد تشکلی فراگیر بین گرایش‌ها رادیکال، باید از حرف به عمل تبدیل گردد».

این فراخوان چه به لحاظ مضمون و محتوای سیاسی و طبقاتی علیه سرمایه‌داری و چه صداقتی که در بطن و اهداف آن نهفته است، اصولاً باید هر فعال و تشکل کارگری را تشویق کند که با شور و شوق به استقبال آن برود. به ویژه این رفقا، فضا را آنچنان باز گذاشته‌اند که هر کسی در آن شرکت کند نه به عنوان مهمان، بلکه از همان اول صاحب خانه محسوب می‌شود.

چند روز پس از این دعوت رفقای اتحاد کمیته‌های کارگری، در اطلاعیه دیگری در تاریخ ۱۳۸۵/۹/۱۵، اعلام کردند: «پس از دعوت از فعالین جنبش کارگری برای تشکیل شورای همکاری فعالین جنبش کارگری بلافاصله بعضی از تشکلات و فعالین به این دعوت نامه پاسخ گفتند، از جمله کمیته هماهنگی ... و کمیته پیگیری ... به این دعوت نامه جواب مثبت داده و از آن استقبال کردند.

تعدادی از فعالین در مورد هدف بالقوه یعنی ایجاد یک تشکل فراگیر پیشنهادات و نکاتی به نظرشان می‌رسید که می‌توان همه آن‌ها را در شورای همکاری ... به بحث گذاشت. اما برای آن که ابتدا به ساکن شورای همکاری شکل بگیرد و راه را هموار نماید ضروری است بر اساس هدف بالفعل آن یعنی مبرمترین مطالبات جنبش کارگری که همه بر آن توافق داریم مثل: امنیت شغلی، حق آزادی تشکل و بویژه خنثی کردن تهاجم به فعالین جنبش کارگری آغاز نماییم و شورایمان را ایجاد نماییم. بنابراین شورای همکاری ... بدون هیچ پیش شرطی ایجاد خواهد شد و ضمن پرداختن به هدف بالفعلش می‌تواند در کنار آن بحث تشکل فراگیر را به تبادل نظر بگذارد.

ایجاد شورای همکاری فعالین جنبش کارگری، گامی است به جلو برای ایستادگی محکم‌تر در مقابل تهاجمات سرمایه‌داری و بر این مبنا مجدداً از فعالین دیگر جنبش کارگری برای شرکت در این شورا دعوت به عمل می‌آوریم.»

هدف این فراخوان صریح و روشن است. تلاشی جدی برای متحد کردن فعالین و تشکل‌های مستقل جنبش کارگری در جهت برداشتن گام‌های بلند برای برپایی تشکل‌های توده‌ای و سراسری طبقه کارگر است. این رفقا به نطقه ضعف مهمی انگشت گذاشته‌اند. امروز بزرگترین دغدغه و مشغله و ضعف فعالین طبقه کارگر ایران در دوره حاضر، عدم وجود تشکل سراسری کارگران است. همه به این امر اذعان دارند. اما همه نیروهای طبقه کارگر برای برطرف کردن این ضعف هم‌جهت و هم‌نظر نیستند. این ضعف و کمبود بزرگی است، به ویژه در این میان تنگ‌نظری و سکتاریستی و نظریه‌های عجیب و غریبی که بعضی وقت‌ها نیز نویسندگان آن مارکس را نیز به غلط به شهادت می‌طلبند. مثلاً، ادعا می‌شود طبقه کارگر نه به دو تشکل توده‌ای و حزبی، بلکه به یک تشکل نیاز دارد و این همان تشکل توده‌ای است. به لنین و بلشویک‌ها حمله می‌کنند. پا را فراتر می‌گذارند و به مارکس هم متوسل می‌شوند تا اثبات کنند او هم مخالف حزبیت بود. گویا این مارکس و انگلس، یعنی بنیان‌گذاران سوسیالیسم علمی نبودند که در انترناسیونال اول و دوم تلاش کردند گرایش‌های مختلف طبقه کارگر از اتحادیه‌ها تا احزاب و سازمان‌ها و فعالین جنبش کارگری کمونیستی را در یک تشکل بین‌المللی متشکل و متحد سازند. مارکس، تمام زندگی خود را وقف مسایل نظری و عملی طبقه کارگر کرد. مگر مارکس و انگلس، «مانیفست حزب کمونیست» را ننوشتند؟ چرا اسم آن را «مانیفست تشکل توده‌ای کارگران» نگذاشتند؟! آیا اکنون مارکس زنده بود، چه جوابی به این نوع از رفقا می‌داد. حال فرض کنیم یک روز تعدادی از کارگران تشکلی هم به وجود آوردند و گفتند این همان تشکل واحد طبقه

کارگر است و نیازی به حزب نیست. اما سؤال بزرگ از این دوستان این است، در شرایطی که کارگران ایران از تشکل‌های توده‌ای خود محروم هستند، آیا بحث‌هایی از این دست به چه چیزی جز تفرقه و پراکندگی خدمت می‌کند؟ مگر غیر از این است که کلیه نیروهای جنبش کارگری کمونیستی با هر ضعف و اشکال و ایرادی باید در برپایی این تشکل‌ها آستین‌های خود را بالا بزنند و در فرصت و موقعیت مناسب نیز از همدیگر انتقاد کنند. این روزها مد شده است تعدادی انگشت‌شمار دور هم جمع شوند، آن‌چنان در حالت خلسه فرو روند که به طبقه کارگر از برج آج امر و نهی کنند؟ به سازمان‌ها و احزاب سیاسی کمونیست و لنین و بلشویک‌ها بد و بیراه بگویند، چرا؟ چرا وقت خود را صرف تحریف تاریخ جنبش کارگری کمونیستی می‌کنید؟ طبیعی است که هر فرد و یا افرادی دور هم جمع شوند، هر اسمی نیز روی خود بگذارند، هر نوع و روش فعالیت برای خود انتخاب کنند، نه تنها هیچ ایرادی در این کار نیست و آزادی تشکل را باید بدون قید و شرط به رسمیت شناخت، بلکه حق طبیعی‌شان است. ایراد و نقد در این است که افرادی انگشت‌شمار دور هم جمع شوند و با این روحیه آن‌چنان به طبقه کارگر امر و نهی کنند که حیرت‌انگیز است. انگار این دوستان تصمیم گرفته‌اند که مبلغ و پرچمدار برخوردهای ناروا و تئوری‌های آن‌چنانی و دامن زدن به پراکندگی و اختلاف باشند. برخی از این تیپ دوستان که از قضا برخی مواقع بحث‌های درستی را هم مطرح می‌کنند باز هم دشمن‌تراشی می‌کنند. لحن آمرانه و طلب‌کارانه و برخوردهای ناروا به دور از نقد دوستانه و سازنده است و به پراکندگی و تفرقه بیشتر دامن می‌زند. اما در هر صورت این برخوردها در میان فعالین جنبش کارگری وجود دارد و باید آن را با صبر و شکیبایی تحمل کرد و در فضایی دوستانه و سالم به نقد آن‌ها پرداخت. لازم است در این‌جا تاکید شود که برخوردهای تند و تیز این قبیل دوستان، نباید به کنار گذاشتن و یا منزوی کردن آن‌ها از تشکل‌های کارگری منجر شود.

در واقع اگر کسی و جریانی نمی‌تواند راه حل‌های اساسی، عملی و پایدار برای برون رفت کارگران از تشنت و پراکندگی بدهد لاف‌پوست خربزه زیر پای دیگران نیاندازد. دامن زدن به تفرقه و تشنت طبقه کارگر هنری نیست. اساسا باید اتحاد و تشکل سراسری طبقاتی کارگران علیه سرمایه‌داران محور بحث‌های امروزی باشد نه تخریب نیروهای کارگری. بگذارید کارگران ایران این تشکل مستقل از دولت خود را به وجود بیاورند آن موقع در مجامع عمومی آن‌ها، می‌توان مطرح کرد که آیا کارگران به یک تشکل و یا دو تشکل، یعنی تشکل توده‌ای کارگران و حزب نیاز دارند یا نه. امروز کسانی پرچم انحلال سازمان‌ها و احزابی که خود را کارگری کمونیستی می‌دانند را بالا برده‌اند. چنین نگرشی یک خطای سیاسی بزرگی است. بگذارید در ادامه چنین روندی کارگران آزادانه و آگاهانه تصمیم بگیرند که آیا به حزب جدیدی نیاز دارند یا نه؟ آیا به حزب دل‌خواه خود می‌پیوندند یا نه؟ و یا این که به این نتیجه برسند به هیچ حزبی نیاز ندارند و همان تشکل توده‌ایشان کافی است. این هم یک نظر در کنار نظریات دیگر درون طبقه کارگر است. اما طراحان آن زمان و مکان آن را اشتباه گرفته‌اند. مشغله‌ای برای فعالین کارگری می‌تراشند که مشغله امروزشان نیست. از این رو طرح این بحث در حال حاضر یک بحث انحرافی است. چرا که طبقه کارگر ایران هنوز تشکل‌های توده‌ای خود را به وجود نیاورده و در آغازین راه قرار دارد، مشغله فعالین آن به بحث‌های فرسایشی یک تشکل و یا دو تشکل درگیر شود. پس وظیفه کنونی همه نیروهای جنبش کارگری کمونیستی، سازمان‌دهی و رهبری تشکل‌های توده‌ای علیه سرمایه‌داران است.

بحث من در این جا، تاکید به این اولویت ها و ضرورت های فوری طبقه کارگر است. اگر ترجیح بندی این اولویت ها در نظر گرفته نشود، به پیش برد تشکل یابی کارگران لطمه می زند. بحث های تئوریک و برداشتن موانع نظری در حین عمل سیاسی و اجتماعی کار دایمی کمونیست هاست. این که چگونه می توانیم کارگران را در تشکل های توده ای متشکل کنیم نیازمند جواب عاجل است. کمیته ها و ارگان هایی که تاکنون فعالین جنبش کارگری به وجود آورده اند از مهم ترین و اساسی ترین اهداف خود، دور شده اند و به نوعی در جا می زنند. البته اختناق و فشارهای سیاسی و معضلات کمرشکن اقتصادی قابل فهم است، اما واقعا وضعیت ایران بسیار خظیر است. این کشور آستن بحران های اقتصادی فزاینده و احتمال حمله نظامی است. بنابراین، واقعیت های سیاسی و اجتماعی امروزی ایران، هر فعال جنبش کارگری را باید به این نتیجه برساند که طبقه کارگر ایران، به تشکل طبقاتی خود مانند نان شب نیاز دارد. باید به گیر و گرفت ها و موانع آن پرداخت. در این میان نقش فعالین متشکل در کمیته های مستقل کارگری که در سال های اخیر به وجود آمده اند بسیار مهم است.

این که چگونه کارگران متشکل شوند و از این تشتت و پراکندگی دریابند و به عنوان طبقه متحد و آگاه با اتکا به نیرویی خود و مجامع عمومی شان در همه مسایل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور دخالت فعال داشته باشند یک وجه آن از نقد جدی و همه جانبه و سازنده تفکر سکتاریستی می گذرد. ضرورت کنونی مبارزه طبقاتی در ایران، این است که دغدغه همه نیروهای منفرد و محافل و سازمان های کارگری کمونیستی، به امر و مساله تشکل یابی کارگران معطوف شود. در پروسه این روند تشکل یابی می توان به بحث های بیش تر برای شفافیت دادن به اهداف و چشم انداز تشکل طبقاتی کارگران علیه سرمایه داران پرداخت، اما نباید منتظر ماند که همه مسایل تئوریک و ذهنی به طور شسته و رفته روشن شود. بسیاری از مسایل در پروسه عمل خود را نشان می دهد و باید هم در همان جا و همان موقع به آن پرداخته شود. از این رو، نباید مشغله های غیر ضروری و کاذب و فرسایشی تئوریک درست کرد.

هدف اصلی تشکل و تشکل و تشکل است! تشکلی مستقل از دولت. تشکلی به اعتبار و با اتکا به نیروی خود کارگران. تشکلی با اتکا به مجامع عمومی. تشکلی که روز بروز توانایی و مقاومت طبقه کارگر در مقابل ستم و استثمار سرمایه داری را ارتقا دهد و تا جایی پیشروی کند که طبقه کارگر متشکل و آگاه خود را برای دست زدن به تحولات سرنوشت ساز تاریخی به لحاظ ذهنی و عملی آماده سازد و خود را صاحب معضلات و مشکلات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کل جامعه بداند.

یک مسئله مهم و ضروری دیگر این است که فعالین کمیته های موجود مستقل کارگری، نیروی بیش تری به فعالیت هایشان در صنایع بزرگ اختصاص دهند تا کارگران این بخش های بزرگ کشور در عرصه تشکل یابی کارگران پیشگام شوند. تشکل در صنایع بزرگ یکی از مسایل کلیدی تشکل یابی کارگران ایران و یا هر کشور دیگری و پیشروی آن به اهداف عالی طبقاتی خویش است. در شرایط خفقان و دیکتاتوری حاکم بر ایران، که جمهوری اسلامی به هیچ وجه حاضر نیست هیچ گونه تشکل مستقلی را چه برای کارگران و چه نویسندگان و هنرمندان و دانش جویان و زنان را بپذیرد. در کشوری که به طور رسمی و قانونی آزادی بیان و تشکل و اعتصاب وجود ندارد. شرایط فعالیت برای فعالین این جنبش ها سخت و دشوار است. تاکنون نیز فعالین آن ها تاوان و بهای گزافی را آگاهانه پرداخت

کرده‌اند. فعالین این جنبش‌ها در عمل نشان داده‌اند که در همین شرایط نیز می‌توان تشکل مستقل توده‌ای را برپا کرد و آن را با مبارزه از پایین به حکومت تحمیل نمود. اعتصاب جسورانه کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه و یا کمیته‌های موجود که فعالین کارگری به وجود آورده‌اند این واقعیت غیرقابل انکار را در مقابل جامعه ما و به ویژه کارگران قرار داده است. هرگونه تفکری که نخست باید مجوز دولت را گرفت تا تشکل به وجود آورد، اگر توهمی بیش نباشد اساساً تفکری راست و برای تشکل و مبارزه کارگران مضر است.

یک مسئله مهم دیگر در عرصه تشکل‌یابی کارگران، این است که گرایش‌های مختلف در درون جنبش کارگری را به عنوان یک واقعیت پذیرفت و به رسمیت شناخت. در عین حال توهمات کمبودها و اشکالات آن‌ها را نیز در فضایی صمیمانه و رفیقانه مورد نقد سازنده قرار داد، نه با هدف صرفاً افشاگری. مساله گرایش‌های درون طبقه کارگر را نمی‌توان با صدور اطلاعیه و قطعنامه حل و فصل کرد، بلکه با صبر و شکیبایی و بحث‌ها و نقدهای متقابل سازنده در پروسه عمل سیاسی است که به سرانجام می‌رسد.

حقیقتاً همکاری و تبادل نظر و احیاناً اقدام مشترک فعالین و کمیته‌های موجود کارگری یک ضرورت تاریخی است. برای مثال، اقدام مشترک کمیته هماهنگی... کمیته پیگیری... اتحاد کمیته‌های کارگری، انجمن صنفی کارگران برق و تاسیسات غرب تهران، انجمن صنفی برق و فلزکار کرمانشاه، سندیکای کارگران شرکت واحد و غیره در رابطه با قانون کار و تعیین حداقل دست‌مزدهای سال ۱۳۸۶ که اکنون از سوی حکومت مطرح و در حال تصمیم‌گیری است، اقدامی موثرتر است. یا تلاش برای لغو احکام ضدکارگری دستگیر شدگان اول ماه ۱۳۸۳ سقز، سازمان‌دهی مشترک برنامه‌های ۸ مارس، روز جهانی زن و اول ماه مه، روز جهانی کارگر و... اقدامات مشترک این چینی پروسه نزدیکی فعالین این تشکل‌ها را هموار می‌کند.

بیش از دو دهه است که بحران‌های متوالی اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی، اکثریت مردم ایران، به ویژه کارگران و مردم محروم را در مشقت و درد و رنج فزاینده‌ای قرار داده است. در اثر این بحران‌های ویرانگر اقتصادی، صنایع کوچک و بزرگ فلج شده است، ورشکستگی اقتصادی و تعطیلی کارخانه‌های بزرگ صنعتی، به خصوص صنایع نساجی، ریسندگی و بافندگی، در سال‌های اخیر آن‌چنان ابعاد گسترده‌ای به خود گرفته است که فقط در اوایل سال ۱۳۸۵، نزدیک به دویست هزار کارگر از کار اخراج شده‌اند. بنا به اقرار دست‌اندرکاران خانه ضدکارگر جمهوری اسلامی و نمایندگان مجلس ارتجاع، صنایع مهم کشور یکی پس از دیگری دچار بحران می‌شوند. دزدی، اختلاس، رشوه خواری، فساد اداری و اختصاص بودجه‌های کلان میلیاردی به عرصه نظامی‌گری و دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی اتمی، و رقابت با رقبای خود در سطح منطقه، با پشتیبانی و حمایت از گروه‌های تروریستی حزب‌اللهی و حتی از گروه‌های راسیستی در سطح جهانی که در کنفرانس «هولوگاست» تهران شرکت کرده بودند، به سیاست روزمره حکومت سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و سران آن تبدیل شده است و متأسفانه تاوان همه آن‌ها را نیز طبقه کارگر می‌پردازد. آیا طبقه کارگر ایران در سطح سراسری خود را متحد و متشکل کرده بود جمهوری اسلامی جرات می‌کرد به این شیوه با کار و زیست و زندگی کارگران رفتار نماید؟ قطعاً نه! بنابراین، بیش‌ترین ضرر و زیان و خسارت‌های بحران‌های اقتصادی و سرکوب‌های سیاسی جمهوری اسلامی، متوجه جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویان و جوانان و جنبش‌های برابری‌طلب و آزادی‌خواه همچون

جنبش انقلابی کردستان است. جمهوری اسلامی، که برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی با رقبای خود مانند آمریکا و اسرائیل و غیره مسابقه می‌دهد، در حالی که ایران، پس از روسیه بزرگترین دارنده منابع عظیم گاز در جهان است، گاز مناطق سردسیر غرب کشور، در زیر بیش از ۳۰ درجه سرمای سوزناک مختل شده است و جمهوری اسلامی، علاقه چندانی به تامین نیازهای مردم کردستان، آذربایجان، خوزستان، سیستان و بلوچستان و...، از خود نشان نمی‌دهد. اکنون بنا به اطلاعیه سازمان برق ایران، احتمال این که برق به طور مداوم حتی در تهران قطع شود پیش‌بینی شده است. سندیکای صنعت برق ایران در نامه‌ای به سران سه قوه، اعلام داشته که شرکت‌های صنعت برق ایران در چند سال اخیر به علت تنگناها و کمبودهای بودجه‌ای و اعتباری وزارت نیرو با تهدیدهای جدی و جبران‌ناپذیری مواجه شده و اکنون این شرکت‌ها در آستانه ورشکستگی قرار داده است. سوخت و بنزین نیز در استان‌های سیستان و بلوچستان و آذربایجان و کردستان، جیره‌بندی شده و باندهای جمهوری اسلامی، گاز و نفت و بنزین را در بازار سیاه با قیمت گزافی می‌فروشند. احتمال این که پس از جیره‌بندی سوخت در غرب کشور، نوبت جیره‌بندی سراسر ایران نیز از راه برسد دور از انتظار نیست.

احمدی‌نژاد، رییس جمهور رژیم اسلامی، در تبلیغات انتخاباتی خود و پس از آن، همواره وعده آوردن پول نفت بر سر سفره مردم را می‌داد، در حالی که اکنون نه تنها هیچ‌کدام از این وعده‌هایش عملی نشده است، بلکه سرکوب اعتراضات کارگران و اخراج و به محاکمه کشیدن فعالین کارگری و گرانی و تورم مایحتاج روزانه مردم بسیار نیز بالا رفته و به مرحله غیرقابل تحملی رسیده است. در این مدت حدود یک سال و نیم ریاست جمهوری وی، روز بروز مشکلات و معضلات اکثریت مردم ایران، افزایش یافته و در سطح بین‌المللی نیز احتمال تحریم اقتصادی همه جانبه و حمله نظامی نیز همچون شبح هولناکی بر سر مردم ایران به پرواز درآمده است.

قیمت اجناس مایحتاج روزانه مردم، همچنان در حال افزایش است. بنا به گفته عبدالرحمان چراغلی، مدیرعامل سازمان میادین میوه و تره بار شهرداری تهران، طی روزهای اخیر نرخ مرکبات تا ۵۰ درصد افزایش یافته است. افزایش قیمت‌ها به حدی سرسام‌آور است که محمدرضا باهنر نایب رئیس مجلس شورای اسلامی و رئیس فراکسیون اصولگرایان اقرار کرده است دولت و مجلس در کنترل قیمت‌ها موفق نبوده و سطح عمومی قیمت‌ها در برخی موارد از کنترل بیرون رفته است.

از سوی دیگر احمد بزرگیان، نماینده مجلس گفته است، خط فقر در تهران ۵۰۰ هزار تومان و در شهرهای دیگر کشور ۳۵۰ هزار تومان است.

به گفته احمد بزرگیان، این عضو فراکسیون اکثریت مجلس شورای اسلامی، سیاست‌های غلط دولت در حوزه اقتصاد کار را به جایی رسانده که «تخم مرغ شانهای ۱۱۰۰ تومان به شانهای ۳۰۰۰ تومان رسیده است.»

بدین ترتیب، فقرا روز به روز فقیرتر می‌شوند و سرمایه‌داران روز بروز پولدارتر. آیا مردم فقیر توان خرید تخم مرغ دانه‌ای ۹۰ تومان، ۵ نان تافتون ۳۰۰ تومان، یک پاک شیر سویا ۲۰۰۰ تومان، کرایه آژانس رفت و برگشت ۶۰۰۰ تومان، نان سنگگ بزرگ ۲۵۰ تومان، یک بسته کوچک ریحان ۲۵۰ تومان، نخود کیلوئی ۱۲۰۰ تومان، لوبیای قرمز کیلوئی ۱۷۰۰ تومان، سیب زمینی کیلوئی ۶۰۰ تومان، پیاز کیلوئی ۷۰۰ تومان، گوجه فرنگی کیلوئی ۲۲۰۰، پنیر پاکتی ۲۵۰ گرمی ۳۰۰۰ تومان...

سطح فقر و گرانی به جایی رسیده که گردانندگان مجلس شورای اسلامی نیز در این مورد هشدار می‌دهند، دلیلش نگرانی آن‌ها از اعتراضات توده‌ای است.

در چنین شرایطی، روزنامه کیهان جمهوری اسلامی، به گوشه‌ای از یک رقم خرید موشک‌های ضدهوایی جمهوری اسلامی از روسیه اشاره کرده است. این روزنامه، در خبر مربوط به خرید موشک‌های ضدهوایی «تور ام یک» از روسیه، هزینه پرداختی از سوی جمهوری اسلامی بابت آن را «۱ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار» اعلام کرده است. در چنین شرایطی، سران جمهوری اسلامی، ادعا می‌کنند که محاصره اقتصادی تأثیری بر ایران ندارد. اگر جمهوری اسلامی، غنی‌سازی اورانیوم را قطع نکند احتمالاً شورای امنیت سازمان ملل در اسفند ماه تحریم‌های شدیدتری را علیه ایران اعمال خواهد کرد، در این صورت نرخ مایحتاج مردم و هزینه دارو و درمان که در حال حاضر کمرشکن است وخیم‌تر نیز خواهد رفت.

فعالین کارگری ایران، با وجود اختناق سیاسی و فشارهای اقتصادی، گام‌های مهمی رو به جلو برداشته‌اند. کارگران ایران، در اعتراضات چند سال اخیر تجارب ارزنده‌ای کسب کرده‌اند. اکنون دعوت رفقای اتحاد کمیته‌های کارگری، مبنی بر این که «ما می‌توانیم شورای همکاری متشکل از نمایندگان گرایش‌های رادیکال جنبش کارگری مثل سندیکای شرکت واحد، کمیته هماهنگی... کمیته پیگیری... اتحاد کمیته‌های کارگری، انجمن فرهنگی کارگری، فعالین فلز کار مکانیک، دانش‌جویان هوادار جنبش کارگری و بسیاری از فعالینی که مستقلاً فعالیت می‌نمایند، ایجاد نماییم. این شورا می‌تواند وظیفه هماهنگی و همکاری در مقابل تهاجم به فعالین کارگری و یا به طور کلی طبقه کارگر را بعهده بگیرد. در چنین حالتی فعالین متشکل در این شورا می‌توانند به سهم خود نقش بیش‌تری در عرصه مبارزه طبقاتی داشته باشند و بخش‌هایی از کارگران پیشرو را نیز جذب این حرکت نمایند.» اقدامی ارزنده و موثر و یک نیاز سیاسی و اجتماعی و طبقاتی کارگران ایران است را باید از هر طریق ممکن تقویت کرد و به استقبال آن رفت.

ما، به نوبه خود بی‌وقفه در جهت سرنگونی حکومت سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و برای تحقق شعار «آزادی، برابری، حکومت کارگری»، با خلوص نیت و بدون کمترین ادعا و طلب‌کاری مبارزه می‌کنیم. انبوه مطالب نشریات جهان امروز و پیشرو، تلویزیون کومه‌له، مصاحبه‌ها و گفتارها و برنامه‌های رادیوی حزب کمونیست و کومه‌له و رادیوی ۲۴ ساعته، بیانیه‌ها و قطعنامه‌های کنگره‌ها و پلنوم‌های حزب کمونیست ایران و کومه‌له، به خوبی این عرصه وسیع کمونیستی ما را نشان می‌دهند. مبارزه ما، همواره در معرض نقد و بررسی و ارزیابی دایمی نیروهای جنبش کارگر کمونیستی قرار دارد. ما با تبلیغ و ترویج مواضع کارگری کمونیستی، در عین حال آگاهانه وظیفه خود می‌دانیم که از هر اقدام کوچک و بزرگ برای اتحاد طبقاتی کارگران سراسر ایران و مبارزه آن‌ها بر علیه سرمایه‌داران و حکومت حامی سرمایه، نه تنها استقبال می‌کنیم، بلکه از طرق مختلف نیز هر قدمی را که به نفع طبقه کارگر برداشته شود عمیقاً تقویت می‌کنیم.

بهرام رحمانی

bamdadpress@telia.com

تاریخ دریافت: ۱۳۸۵/۱۱/۲